

The Relationship between the Attachment Style, Self-Conception, and Loneliness among High School Students

Habiballah Naderi^{1*}, Nargess Firozzadeh Pasha², Fatemeh Kargar³

1. Assistant Professor of the University of Mazandaran, Babolsar, Iran

2. M.A student of Educational Psychology and official teacher in Eastern Bandpey, Babol, Iran

3. Master of clinical of psychology

Abstract

Introduction: This research was aimed at surveying the relationship between attachment, self-concept and loneliness in the secondary school students of Eastern Bandpey, Babol, Iran.

Methods: The study was descriptive and correlation in which 278 students (139 girls and 139 boys) participated by filling out Hazan and Shaver Interest Style Questionnaire, Rogers Self-Concept Scale and UCLA Loneliness Scale. The data were analyzed using the statistical technique of regression.

Results: The results showed that there was a meaningful relationship between attachment and feeling style, but there was no relationship between attachment style and self-conception. There was also a significant inverse relationship between self-conception and loneliness.

Conclusion: Attachment style was a stronger predictor of loneliness than self-conception.

Keywords: Attachment style, self-conception, loneliness

Archive SID

رابطه بین سبک دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی در میان دانش آموزان مقطع متوسطه دوم

حبيب الله نادری^{۱*}، نرگس فیروززاده پاشا^۲، فاطمه کارگر^۳

۱- عضو هیات علمی گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده مسئول: h.naderi@umz.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دبیر آموزش و پرورش منطقه بندپی شرقی. بابل، ایران.

۳- کارشناسی ارشد بالینی

چکیده

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی دانش آموزان متوسطه دوم بخش بندپی شرقی شهرستان بابل بود. به هر حال پژوهش های انجام گرفته مربوط به احساس تنهایی در سال های اخیر رشد قابل توجهی را نشان می دهد.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و نمونه مورد بررسی ۲۷۸ دانش آموز (۱۳۹ دختر و ۱۳۹ پسر) می باشد که با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و با تکمیل پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور، خودپنداره راجرز و احساس تنهایی UCLA در این پژوهش شرکت کردند.

یافته ها: برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی و احساس رابطه ی معنادار وجود دارد. بین سبک دلبستگی و خودپنداره رابطه معنادار وجود ندارد. بین خودپنداره و احساس تنهایی رابطه معکوس معنادار وجود دارد. سبک دلبستگی نسبت به خودپنداره پیش بینی کننده قوی تری برای احساس تنهایی است.

کلید واژه ها: سبک دلبستگی، خودپنداره، احساس تنهایی.

[دریافت مقاله: پذیرش مقاله:]

مقدمه

شناختی سازگاران را در مراحل بعدی رشد فراهم می‌کند. به طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی سبک‌های دلبستگی نوزادی، هازان و شیور^۴ (۱۹۸۷) سبک‌های دلبستگی بزرگسالان را در سه طبقه ارائه دادند: ۱) دلبستگی ایمن، ۲) دلبستگی مضطرب- دوسوگراو ۳) دلبستگی اجتنابی. بالبی (۱۹۷۷ و ۱۹۸۸) عقیده داشت چنانچه مراقبت از کودک با حساسیت همراه نباشد، دلبستگی نایمن در کودک شکل می‌گیرد و الگوهای عملی درونی او از دیگران به عنوان افرادی دست‌نیافتنی و اعتماد‌ناپذیر خواهد بود. چنین کودکی خود را شایسته دریافت مراقبت همراه با حساسیت در نظر نمی‌گیرد. اگر این ادراک ناسالم مانع از شکل‌گیری روابط میان فردی حمایت‌کننده شود کودک را در معرض خطر برخی مشکلات عاطفی- اجتماعی قرار می‌دهد، که در کودکان تنها تجربه می‌شود.

خودپنداره^۵ از مفاهیم اساسی در روان‌شناسی مدرسه است. براساس نظریه خودپنداره که از جمله نظریات مرتبط با خود ارزشیابی است، خودپنداره شبکه‌ای از عقاید و باورهای مثبت و منفی درمورد خود، پذیرش یا رد خود می‌باشد. در پژوهش‌های مختلفی که پیرامون خودپنداره انجام گرفته است، این مفهوم را با اصطلاحات متفاوتی تعریف کرده‌اند و برخی نیز آن را مترادف با عزت‌نفس و خودتنظیمی دانسته‌اند (احود و برواینسما، ۲۰۰۶). آموزش و پرورش انسان گرایانه، خودپنداره را جزء جدایی‌ناپذیر از یادگیری و رشد دانش‌آموز می‌داند و مدعی است که میان خودپنداره مثبت با یادگیری و عملکرد تحصیلی ارتباط وجود دارد؛ کار معلم را فراهم ساختن زمینه مناسب برای دستیابی به خودپنداره مثبت و عملکرد مناسب برای

مهمترین وظیفه آموزش و پرورش ایجاد زمینه سازی برای رشد همه جانبه فرد و تربیت انسانهای سالم، کارآمد و مسئول برای ایفای نقش در زندگی فردی و اجتماعی است. از آنجایی که دانش‌آموزان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی کشور نقش ویژه‌ای دارند؛ توجه به این قشر از جامعه، باروری و شکوفایی هرچه بیشتر نظام آموزشی و تربیتی جامعه را موجب می‌گردد (میلر^۱، ۱۹۸۲؛ ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۹۲).

نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که در آن تغییرات بسیاری در فرایندهای زیست‌شناختی، روانی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد و تمایل برای برقراری رابطه صمیمانه و خود افشایی افزایش می‌یابد (شهر آرای، ۱۳۹۴). همچنین احساس ناپیوستگی باعث بروز تنهایی و در برخی همراه با مشکلات شدید سازگاری می‌شود (لرنر و اسپانیف، ۱۹۸۰؛ گلفاند و تتی هنوود، ۱۹۹۰؛ سولانا، ۱۹۹۴؛ کالپ و کلیمن^۲، ۱۹۹۵؛ به نقل از آقامحمدیان وحسینی، ۱۳۸۴).

بالبی^۳ (۱۹۸۰-۱۹۷۳) در نظریه‌ی دلبستگی بر این نکته تاکید داشت که ارتباطات اولیه‌ی دوران کودکی، سبک دلبستگی فرد را شکل می‌دهد و بر دیدگاه فرد درباره‌ی خود، دیگران و روش سازماندهی ارتباطات میان فردی تاثیر می‌گذارد. بر طبق این نظریه، تاثیر کیفیت دلبستگی در تمام فرخانی عمر تداوم دارد و تبیین‌کننده تفاوت‌های فردی در زمینه روشهای مقابله با آزردهی‌های درونی و تنظیم روابط میان فردی است. بسیاری از روانشناسان تحولی عقیده دارند احساس گرمی، اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن با چهره‌ی اولیه‌ی دلبستگی است، زمینه‌ی کنش روان

4. Hazan & shaver
5. Self-concept
6. Ahmed & Bruinsma

1. Miler
2. Lerner spanier, Gelfand, Teti Henwood, Solano, Kalp & Kelimen
3. Bowlby

دانش‌آموزان می‌داند (میلر، ۱۹۸۲؛ ترجمه- مهرمحمدی، ۱۳۹۲). خودپنداره تحت تاثیر عوامل متعددی متحول می‌شود. بازخورد دیگران به ویژه والدین، تعامل‌های اجتماعی، ارتباط کودک و محیط از جمله عواملی است که خودپنداره را تحت تاثیر قرار می‌دهد (پورحسین و همکاران، ۱۳۸۱).

احساس تنهایی را می‌توان نارسایی و ضعف محسوس در روابط بین فردی دانست که به تجربه نارضایتی از روابط اجتماعی منجر می‌شود (پونزتی و هومپیر، ۱۹۹۹). آشر و پاکت^۲ (۲۰۰۳) تنهایی را آگاهی شناختی فرد از ضعف در روابط فردی و اجتماعی خود توصیف می‌کنند که به احساس غمگینی، پوچی یا تاسف و حسرت منتهی می‌شوند. در واقع احساس تنهایی، عدم توانایی در برقراری و حفظ روابط رضایت بخش با دیگران می‌باشد که احتمالاً باعث تجربه حس محرومیت می‌گردد (هنریچ و گلون^۳، ۲۰۰۶). احساس تنهایی افراد را درگیر با احساس خلا، غمگینی و بی‌تعلقی مواجه می‌کند و به شیوه‌های مختلف بر تعاملات اجتماعی با دیگران، نحوه زندگی و سلامت جسمانی و روانی تاثیر می‌گذارد (هنریچ و گلون، ۲۰۰۶). به نظر الهاگین^۴ (۲۰۰۴) مبنای احساس تنهایی، فاصله و شکاف بین آرمانهای فرد (آنچه می‌خواهد) و دستاوردهای او (آنچه به دست آورده است) در روابط و صمیمیت‌های بین فردی است. هر چه این فاصله بیشتر باشد احساس تنهایی بیشتر است. بررسی‌های موجود نشان داده‌اند که افراد دارای احساس تنهایی دارای خصوصیات می‌باشند که از آن جمله می‌توان به رضایت و شادکامی اندک، عزت نفس پایین، از خودبیگانگی، احساس خجالت، دلتنگی،

احساس خلا، کمی جاذبه، خودداری از ارتباطات اجتماعی، دوستان اندک، بدبینی، ناتوانی در ابراز خود، دیگر گریزی، و درون‌گرایی اشاره نمود. فرانزوی و دیویس^۵ (۱۹۸۵)، ارتباط منفی معنی‌داری بین احساس تنهایی و ادراک گرمی از پدرانشان را گزارش دادند. لمبرز^۶ و همکاران (۱۹۸۹) نشان دادند که شرایط سخت اقتصادی باعث بالا رفتن میزان افسردگی و احساس تنهایی در نوجوانانی می‌شوند که سبک فرزندپروری والدین خود را طرد کننده و ناهمسان ادراک کرده‌اند.

هچت و بادم^۷ (۱۹۸۴) دریافتند، مدت زمانی که فرد در تنهایی به سر می‌برد، تعیین‌کننده اساس میزان احساس تنهایی در او نیست، بلکه تهدید جدایی و کیفیت دلبستگی که در افراد نایمن تجربه می‌شود، در احساس تنهایی نقش مهمی دارد. به عبارت دیگر در احساس تنهایی، احساس ذهنی شخص از کیفیت دلبستگی عاطفی صمیمی با چهره دلبستگی تاثیر بسیار بیشتری از حضور نداشتن دیگران دارد. بنابراین افراد مضطرب-دوسوگرا برخلاف افراد اجتنابی برای تامین حس خود ارزشمندی به دیگران بسیار وابسته‌اند و به این دلیل انتظار می‌رود در مقایسه با افراد اجتنابی احساس تنهایی بیشتری را تجربه کنند. اگرچه در نظریه بالبی دلبستگی و احساس تنهایی مرتبط به یکدیگر در نظر گرفته نشده‌اند، برخی از پژوهشگران معتقدند نظریه دلبستگی می‌تواند برای بررسی شکل‌گیری احساس تنهایی در دوران کودکی چهارچوبی فراهم کند (برلین^۸ و همکاران، ۱۹۹۵).

پژوهش‌های برلین و همکاران در سال ۱۹۹۵ نشان داد که احساس تنهایی در کودکان نایمن اجتنابی پایین

5. Franzoi & Davis
6. Lempers
7. Hecht & Baum
8. Berlin

1. parkhurst & Homeyer
2. Asher & paquette
3. Henrich & Gallone
4. Elhageen

خلاف دلبستگی ایمن فرزند می‌توانند خودپنداره فرزند را پیش‌بینی کنند.

ورچورن^۲ و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که خودپنداره کلی با کیفیت دلبستگی به مادر مرتبط است و همچنین نقش غیرمستقیم کیفیت دلبستگی اولیه مادر- فرزند بر خودپنداره تحصیلی توسط تاثیر آن بر ارتباطات فرزند بزرگسال در مدارس آشکار شد.

در این پژوهش نیز با توجه به اهمیت سبکهای دلبستگی علاوه بر توجه به انواع سبکهای دلبستگی، خودپنداره نیز مد نظر قرار گرفته است و به بررسی رابطه سبکهای دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی پرداخته می‌شود.

روش بررسی

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان مقطع دبیرستان بخش بندپی شرقی در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بودند. نمونه مورد بررسی بر اساس جدول کرسجی و مورگان (به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۹۲) ۲۷۸ دانش‌آموز (۱۳۹ پسر- ۱۳۹ دختر) بودند که به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنیها، پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور، مقیاس تنهایی UCLA و آزمون خود پنداره راجرز و درباره دانش‌آموزان اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌ها و روشهای آماری از جمله ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS^{۱۹} تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

الف) پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان:

و در کودکان ایمن متوسط است، اما نتایج تحقیقات دیگر حاکی از آن است که خود- آشکارسازی در بزرگسالان ایمن بیشتر از بزرگسالان اجتنابی است (میکولیسر ناچشون^۱، ۱۹۹۱). از آنجایی که فقدان خود-آشکارسازی با احساس تنهایی همبستگی دارد (استوکس^۳، ۱۹۸۷)؛ پس انتظار می‌رود احساس تنهایی در افراد ایمن کمتر از افراد نایمن گزارش شود. نتایج پژوهش میکولیسر و ناچشون (۱۹۹۱) نشان داد افراد دلبسته ایمن به دلیل روابط رضایت بخشی که با دیگران دارند احساس تنهایی در آنها پایین است، این افراد با خود آشکار سازی به دیگران پاسخ می‌دهند و به طور متقابل خود - آشکارسازی بیشتری از دیگران دریافت می‌کنند. نتایج مطالعه شاهینی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که وجود حمایت اجتماعی مناسب سبب کاهش میزان احساس تنهایی و افزایش رضایت از زندگی می‌شود و یکی از پیش‌بینی کننده‌های سلامت است، باید تمهیداتی برای افزایش دریافت حمایت اجتماعی از سوی خانواده و دوستان فراهم گردد. همچنین لازم است که با توانمندسازی دانشجویان در کسب مهارتهای ارتباط اجتماعی مناسب، به ارتقای سلامت روان آنها کمک کرد.

به هر حال پژوهش‌های انجام گرفته مربوط به احساس تنهایی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد.

نتایج مطالعه صفایی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که همبستگی مثبتی میان خودپنداره مادر و فرزند و همبستگی منفی میان سبک‌های دلبستگی نایمن و خودپنداره فرزند وجود دارد. در حالی که رابطه معناداری میان خودپنداره مادر و سبک دلبستگی و خودپنداره فرزند دیده شد. نتایج نشان داد که خودپنداره مادر و سبک‌های نایمن دلبستگی فرزند بر

2. Verschueren

1. Milkulincer & Nachshon

الف و ب است. برای بررسی روایی پرسشنامه خودپنداره راجرز (۱۹۶۱) نیز از پرسشنامه خودپنداره (بک، ۱۹۷۹، به نقل از حسن پور، ۱۳۸۳) استفاده شده است. پایایی پرسشنامه نیز در این تحقیق با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۶۵ محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اول: بین سبک دلبستگی و احساس تنهایی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱ ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی، خودپنداره و احساس تنهایی

متغیرها	سبک دلبستگی	خودپنداره	احساس تنهایی
سبک دلبستگی	1	0/038	0/014 *
خودپنداره	۰/۰۳۸	۱	-۰/۲۸۳*
احساس تنهایی	0/014*	-۰/۲۸۳*	۱

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین احساس تنهایی با مولفه دلبستگی برابر ۰/۱۴۷ می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشد. با توجه به داده‌های جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت بین احساس تنهایی با مولفه سبک دلبستگی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین سبک دلبستگی و خودپنداره رابطه معناداری وجود دارد.

نسخه جدید پرسشنامه دلبستگی هازان و شیور در سال ۱۹۹۳ تدوین شده است. این پرسشنامه دلبستگی-های ایمن و نایمن را می‌سنجد. این پرسشنامه شامل دو بخشی است که در بخش اول (AAQ1) آزمودنی به سه پاراگراف که به شکل جمله‌های توصیفی طرح شد در یک مقیاس هفت درجه‌ای پاسخ می‌دهد. در بخش دوم (AAQ2) مجدداً همان توصیف‌ها طرح شده، ولی این بار آزمودنی تنها با علامت زدن یکی از آنها، تشابه خود را با یکی از آن توصیف‌ها بیان می‌کند. ضریب پایایی همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ و ضریب پایایی باز آزمایی این پرسشنامه به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۲ گزارش شده است. در پژوهش بشارت (۱۳۷۹) برای ارزیابی پایایی پرسشنامه دلبستگی بزرگسال از روش باز آزمایی استفاده شده است که ضریب همبستگی بین دو اجرای آزمون $R=0/92$ بدست آمده است.

ب) مقیاس تنهایی UCLA:

جهت سنجش تنهایی از مقیاس تنهایی UCLA (راسل، ۱۹۸۰) استفاده شده که شناخته شده‌ترین مقیاس تنهایی است و نسبت به سایر مقیاس‌ها سلامت روان سنجی بیشتری دارد. این مقیاس دارای بیست سوال که بر اساس مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای تنظیم شده است. این مقیاس در چهار گروه دانشجویان، پرستاران، معلمان و افراد مسن اجرا شده است. دامنه آلفا از ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ بدست آمده است (راسل، ۱۹۸۰). در تحقیق حاضر پایایی این مقیاس با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه شده و $Q=0/79$ بدست آمده است.

ج) پرسشنامه خود پنداره راجرز SCQ۲:

جهت سنجش خودپنداره از پرسشنامه خودپنداره راجرز استفاده شده است. این پرسشنامه شامل دو فرم

1. Rusell
2. Rajerz

همانگونه که در جدول ۱، مشاهده می شود ضریب همبستگی بین خودپنداره با احساس تنهایی برابر ۰/۲۸۳- می باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می باشد. ولی با توجه به علامت منفی ضریب همبستگی، می توان نتیجه گرفت بین خود پنداره با احساس تنهایی رابطه معکوس معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: سهم هر یک از سبک دل بستگی و خودپنداره در پیش بینی احساس تنهایی متفاوت است.

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می شود ضریب همبستگی بین سبک دل بستگی با مولفه خودپنداره برابر ۰/۰۳۸ می باشد که در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نمی باشد. با توجه به داده های جدول ۱ می توان نتیجه گرفت همبستگی بین سبک دل بستگی با مولفه خودپنداره رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین خودپنداره و احساس تنهایی رابطه معناداری وجود دارد

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیونی تبیین کننده احساس تنهایی مرتبط با معیارهای دل بستگی و خود پنداره

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده	آزمون F	سطح معنی داری
Enter	0/147	0/022	0/014	3/029	0/05

جدول ۳: ضرایب تاثیر مدل رگرسیونی تبیین کننده احساس تنهایی مرتبط با معیارهای دل بستگی و خود پنداره

متغیرها	ضریب تاثیر غیر استاندارد (B)	ضریب تاثیر استاندارد (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	2/044		8/50	۰/۰۰۱
دل بستگی	0/111	0/147	2/46	0/015
خود پنداره	-0/002	-0/002	-0/040	0/965

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک دل بستگی، خودپنداره و احساس تنهایی دانش آموزان متوسطه دوم بخش بندپی شرقی شهرستان بابل بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک دل بستگی و احساس تنهایی رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. این یافته ها در راستای تایید تحقیقات پیشین ویس^۱ (۱۹۷۴)، شاوز^۲ و هازان (۱۹۸۹)، هاجراتی^۳ و همکاران (۱۹۹۶) به نقل از قادری، (۱۳۸۹)، هچت و باوم

جدول (۵) یک تحلیل رگرسیونی چند متغیره مشتمل بر مولفه های دل بستگی و خودپنداره می باشد. بر اساس یافته های جدول، متغیرهای مستقلی که در معادله باقی مانده است به طور همزمان ۰/۱۴۷ با متغیر وابسته همبستگی دارند. همچنین یافته ها نشان می دهد که این متغیرها می توانند حدود ۰/۰۲ درصد از تغییرات احساس تنهایی را تبیین نمایند. همچنین ضریب بتا نشان می دهد که متغیر دل بستگی نسبت به متغیر خود پنداره پیش بینی کننده قوی تری است (B = ۰/۱۴۷).

1. Weiss,R.S
2. Shaver,P
3. Hagerty,B.M

(پورکی^۴؛ ترجمه میر کمالی، ۱۳۷۸) بنابراین هرچه افراد خودپنداره قوی‌تری داشته باشند احساس تنهایی در آنها کمتر خواهد بود. بالبی (۱۹۸۰) باور دارد که نوع دلبستگی یا تعامل عاطفی با محیط اطراف و نداشتن احساس تنهایی اثر زیادی روی شکل‌گیری شخصیت و خلق و خو دارد.

در تحلیل رگرسیونی چند متغیر مشخص شد که متغیر دلبستگی نسبت به متغیر خودپنداره پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای احساس تنهایی است. این یافته‌ها فرضیه‌های قبلی را که نشان دادند بین سبک دلبستگی و احساس تنهایی رابطه مثبت و بین خودپنداره و احساس تنهایی رابطه منفی وجود دارد تایید می‌کند و با تحقیقات هچت و باوم (۱۹۸۴) میکولینسر و ناچشون (۱۹۹۱) همسو است.

بعد روانی انسان نقش مهم در رشد و ارتقای او دارد. بنابراین، اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش باید در راستای رشد احساس ارزشمندی و مهم بودن دانش‌آموز شکل بگیرد. احساس کرامت و ارزشمندی منجر به دوری از بسیاری اشتباهات و تعلل ورزی‌ها می‌شود. کودکی که احساس ارزش درونی و کرامت نفس می‌کند، می‌کوشد تا همواره عزت نفس خود را حفظ کند و خود را در شرایطی قرار ندهد که به کرامت نفس او خدشه وارد گردد. بنابراین، چنین فردی احتمالاً در مدرسه نیز برای انجام دادن بهتر تکالیف، نهایت سعی خود را خواهد کرد.

لحاظ نکردن متغیرهایی مانند هوش و وضعیت اقتصادی-اجتماعی و مشخص نکردن نوع سبک دلبستگی دانش‌آموزان از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. افزون بر این برنامه‌ریزان درسی به عناصر مربوط به رشد خودپنداره دانش‌آموزان در محتوا توجه کافی داشته باشند و دوره‌های بازآموزی معلمان با رویکرد

(۱۹۸۴)، میکولینسر و ناچشون (۱۹۹۱)، برلین و همکاران (۱۹۹۵)، استوکس (۱۹۸۷) می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد در واقع هر چه سبک دلبستگی در افراد از نوع مضطرب-دوسوگرا باشد احساس تنهایی در این افراد بیشتر است. مدل‌های عملی درونی افراد مضطرب-دوسوگرا (مجنوب) از خود منفی و از دیگران مثبت است و برای حفظ خود ارزشمندی بسیار به تایید دیگران وابسته هستند که همین امر می‌تواند با احساس تنهایی بیشتر در آنها همراه باشد.

بین سبک دلبستگی و خودپنداره رابطه معنی‌دار وجود ندارد. اگرچه این یافته‌ها با تحقیقات پیشین (گودوین؛ میر؛ تامسون؛ هیس^۱، ۲۰۰۸) و (نیشیکاوا؛ هاگلف؛ سانام^۲، ۲۰۱۰) همسو نیست اما دره گیرائی (۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه رسید که بین سبک دلبستگی مضطرب-دوسوگرا با خودپنداره هیچگونه رابطه معناداری وجود ندارد. در واقع این پژوهش مشخص می‌کند که نوع سبک دلبستگی بر خودپنداره تاثیری ندارد. صفایی و همکاران (۱۳۹۰) نیز گزارش دادند که محیط حمایتی اولیه و شیوه نگهداری به نوبه خود روابط دلبستگی را شکل می‌دهد و از طریق شکل دادن به دلبستگی به طور غیرمستقیم خودپنداره یکپارچه و پایدار را ایجاد می‌کند.

بین خودپنداره و احساس تنهایی رابطه معکوس معنادار وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات هانگ^۳ (۲۰۱۱) همسو است. خود یک ساختار روانی است که به دلیل تجربه‌های درونی و بیرونی در یک نظام پویا شکل می‌گیرد و به تدریج پیچیده‌تر می‌شود. همچنین یک محصول اجتماعی به شمار می‌رود که در اثر تعامل و برخورد با دیگران به دست می‌آید

1. bGoodvin &Thompson &Hayes
2. Nishikawa & Hagglof &Sundbom
3. Huang

4. Purkey

بتوانیم مشکل اهمال کاری تحصیلی را در دانش-آموزانمان کاهش دهیم.

رشد خودپنداره ارائه کنند و همچنین به خانواده‌ها نیز در این زمینه آموزشهای لازم داده شود تا در نهایت

References

Aghamohammadian, H, R., & Hoseini, M .(2005). *psychological puberty and adolescence*. Mashhad, Ferdowsi university press.

Ahmed, W., & Bruinsma, M. (2006). A structural model of self-concept, autonomous motivation and academic performance in cross cultural perspective. *Electronic journal of research in educational psychology*. vol.4,no.10,p: 551-576.

Asher, S, R., & Ppayuette, J. A. (2003). Loneliness and peer relation in childhood. *Current directions inpsychological science*, 12(3). 75-78.

Berin, L. J., & Cassidy, J ., & Belsky, J. (1995). loneliness in young children and infant-mother attachment: A Longitudinal study, *Merill-palmer Quarterly*,41,91-103.

Besharat, M. (2000). *Standardization of adult attachment scale (research report)*. Tehran University.

Beswick, G. , & Rothblum, E. (1998). psychological antecedents of student procrastination. *Australian psychologist* .23, 207-217

Bowlby .J, (1980). *Attachment and Loss: vol 3 loss , sadness , and depression* , New York , Basic Books.

Bowlby, J. (1988). *A secure base: clinical applications of attachment theory*, London, Routledge.

Bowlby,J,(1977).The making and breaking of affection books, *British journal of psychiatry*.130,201-210

Bowlby.J. (1973). *Attachment and Loss*. vol.2 separation. New York, Basic Books.

Crowell, J. A, Fraley, R. C & Shaver, P. R. (1999) .*measurement of individual differences in adolescent and adult attachment*. In, J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds). *Handbook of attachment:*

theory. Reoly, research and clinical applications, (p.p.434-465) New York, Guilford.

Delavar, A.,& Azad,H. Anishi, H., & Shamlo, G, R., & Shamlo, S. (2006). Relationship between depression document, anxiety and loneliness in student. Tehran`s Islamic university in academic year 82-83. *Psychological and educational science (knowledge and research in psychology*. no21&22.

Elhageen A. A. M. (2004). Effect of interaction between parental treatment styles and peer relations in classroom on the feelings of loneliness among deaf children in Egyptian schools (dissertation). Germany: Tübingen

Ferrari, J, R. (2007) .Procrastination as self- !regulation failure of performance: Effects of cognitive load , self- awareness, and time limits and working best under pressure. *European journal of personality*, 15 (5) ,391-406.

Gelfand ,D. M ., & Teti ,D .M. (1990) .The effects maternal depression on children. *Clinical psychology Review*. 10.329-353.

Ghaderi, S. (2010). *Relationship between attachment style and social skills and loneliness among students*. Master`s thesis at university of Al-Zahrah.

Goodvin, R.,& Meyer, S., & Thompson, R. A., & Hayes, R. (2008). Self-understanding in early childhood : association. With child attachment security and maternal negative effect. *Attachment & Human Development*,10,433-450.

Hasanpor, G. (2004). Comparison of self-esteem and self-concept of boys athlete, secondary school in Ahwaz and its relation academic achievement, *scientific journal*. no 18 10-19.

- Hasanzadeh, R. (2013). *Psychological research in science mystical. (practical guide to research)*. Tehran, Savalan publication.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Conceptualizing romantic love and attachment process, *Journal of personality and social psychology*, 52, 511-524
- Hecht, D. T. & Baum, S. K. (1984). Loneliness and attachment patterns in young adults, *Journal of clinical psychology*, 40, 193-197
- Heinrich, L. M., & Gullonca. E. (2006). The effects of maternal depression children: *clinical psychology Review*. 10.329-335.
- Huang, C. (2011). self-concept and academic achievement: A meta-analysis of longitudinal relations, *Journal of school psychology*, 49(5), 505-528.
- Miler, G. P. (1982). Curriculum theory. Theory of lesson planning, translator mehr. mohammadi (1394), Samt press.
- Nishikawa, S. Hagglof. B., & Sundbom. E. (2010). Contributions of attachment and self-concept on internalizing and wxternalizing problems among Japanese adolescence. *Child famstud*, 19, 334-342.
- Perki, Viliamdeblio. (1970). Self-concept and academic achievement. Translator Mohammad Mirkamali, M. A. (1378). Tehran. Yastoron press.
- Porhosein, R., & Dadsetan, P., & Ejei, J., & Kiananesh, A. R. (2002). Development of self-study in children 6 to 12 years and its relationship with social class and gender. *Journal of psychology sixth year*. number 3, P 211-226.
- Purkhuurst, J. T. & Hopmeyer, A. (1999). Developmental change in the source of loneliness in childhood: constructing a theoretical model in: k. j. Rotenberg & S. Hymel (Eds), *Loneliness in childhood and adolescence* (pp 56-76). New York: Cambridge university press
- Rusell, D., & Peplau L.A., & Curtona C.E. (1980). "The revised UCLA loneliness scale: concurrent and discriminate validity.
- Schouwenburg, H. (2005). *On counseling the procrastinators in academic setting*. Proceedings of the fedora psyches conference: Jun 8-11, Groning, Netherlands.
- Song, I. S., & Hattie, J. (1984). Home environment, self-concept, and academic achievement: A causal modeling approach. *Journal of Educational psychology*, 76, 1269-1281.
- Steel, P. D. G. (2002). The measurement and nature of procrastination. *Dissertation Abstracts International: section B: The sciences and engineering*, 63 (3-B), 1599.
- Stokes. J. P. (1987). The relation of loneliness and self-disuse. In V. J. Derlega & J. H. Berg (Eds), *self-disclosure* (pp. 175-202) New York, plenum press.
- Van. W. L. (2004). The relationship between procrastination and stress in the life of the high school of human resource management. The University of Pretoria.
- Verschueren, K., Doumen, S. & Buyse, E. (2011). Relationships with mothers, teachers, and peers: Unique and joint effects on young children's self concept. Paper presented at the 15th *European Conference on Developmental Psychology*, Bergen, Norway.